

**رابطه بین الگوی استفاده از سبک‌های دفاعی و غلبه محورهای زودانگیزگی در دانشجویان\***  
 فرشته ارسالنده<sup>۱</sup>، پرویز آزادفلاح<sup>۲</sup>، جعفر حسنی<sup>۳</sup>

**The relationship between using pattern of defense mechanisms and prevalence of impulsivity aspects in students**

Fereshteh Arsalandeh<sup>1</sup>, Parviz Azadfallah<sup>2</sup>, Jafar Hasani<sup>3</sup>

**چکیده**

**زمینه:** پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که افراد در مواجهه با تنیدگی بر اساس میزان رشد یافتگی من از سبک‌های دفاعی مشخصی استفاده می‌کنند که انتظار می‌رود با تحول یافتگی من، زودانگیزگی به عنوان یک صفت شخصیتی، کاهش و میزان استفاده از دفاع‌های رشد یافته افزایش یابد. رابطه زودانگیزگی با سازه بنیادی‌ای همچون سبک‌های دفاعی این مسئله را مطرح می‌کند که آیا استفاده از سبک‌های دفاعی با توجه به غلبه محورهای زودانگیزگی متفاوت است؟ **هدف:** هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین الگوی استفاده از سبک‌های دفاعی و غلبه محورهای زودانگیزگی بود. **روش:** روش این پژوهش از نوع همبستگی بود. داده‌ها به وسیله ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند. جامعه پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و علم و فرهنگ بودند و نمونه‌ای به حجم ۲۰۱ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های دفاعی (اندروس، ۱۹۹۳) و پرسشنامه زودانگیزگی (وایتساید و لینام، ۲۰۰۱) بود. **یافته‌ها:** یافته‌های به دست آمده نشان دادند که زودانگیزگی کلی با سبک دفاعی روان‌آزرده و رشدنا یافته رابطه مستقیم معنی‌دار ( $p < 0/01$ ) و با سبک دفاعی رشد یافته رابطه معکوس معنی‌دار ( $p < 0/01$ ) دارد. **نتیجه‌گیری:** این پژوهش زودانگیزگی را به عنوان متغیری شخصیتی که بخشی از رفتارها و دفاع‌های رشدنا یافته را تبیین می‌کند، مورد تأکید قرار می‌دهد و در مجموع باید در نظر داشت که مشخصه‌های زودانگیزگی به طرق مستقیم کیفیت اعمال و تصمیم‌گیری‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. **واژه کلیدیها:** سبک‌های دفاعی، زودانگیزگی، تحول یافتگی من

**Background:** the research background indicates that people in exposing to stress, use determined defense styles according to the rate of ego development. Along with ego development it is expected that the impulsivity as a personality trait will be reduced and the usage of mature defenses will be increased. The relation between impulsivity and fundamental structures like defense styles consider this issue that whether using of defense styles differs regarding to domination of impulsivity axis?. **Aims:** The aim of this study was to investigate the relationship between the pattern of using defense styles and Prevalence of impulsivity axis. **Method:** the method of this study was correlation. Data were analyzed by Pearson correlation coefficient and Stepwise regression. The study population consisted of all undergraduate students of Tehran, Allameh Tabataba'i and Elm-o-Farhang Universities. A sample of 201 students was selected by a convenient sampling method. The applied research tools for this study were Defense Styles (Andrews, 1993), and Impulsivity (Whiteside & Lynam, 2001) Questionnaires. **Results:** Data analysis revealed that impulsivity has a significant direct correlation with Neurotic and immature defense styles ( $p < 0/01$ ) there is a significant reverse correlation between this personality trait and mature defense style ( $P < 0/01$ ). **Conclusions:** This study introduced impulsivity as a personality variable which explains some of the immature behaviors and defenses. Moreover, it is noted impulsivity characteristic could directly influence the individual's quality of actions and decisions. **Key words:** Defense styles, impulsivity, ego development

*Corresponding Author: azadfallahparviz@gmail.com*

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

<sup>۱</sup> M.A. in General Psychology, University of Tarbiyat modares, Tehran, Iran

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> Associate professor, Department of General Psychology, University of Tarbiyat modares, Tehran, Iran (Corresponding Author)

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> Associate professor, Department of Clinical Psychology, University of Kharazmi, Tehran, Iran

پذیرش نهایی: ۹۸/۰۹/۲۳

دریافت: ۹۸/۰۷/۲۴

## مقدمه

زودانگیزگی مطرح ساخت، تحول یافتگی من و به موازات آن استفاده از مکانیسم‌های دفاعی می‌باشد. مکانیسم‌های دفاعی فرآیندهای ناهشیار سازگاری هستند که در نظام روان تحلیل‌گری جهت تبیین عملکرد دستگاه روانی در برابر اضطراب و تیدگی معرفی شدند، به نظر فروید وظیفه اصلی دفاع بر عهده من است (کرامر، ۲۰۰۳). به طور کلی افراد در مواجهه با تیدگی، از سبک‌های دفاعی مشخص استفاده می‌کنند که این سبک‌ها براساس میزان رشد یافتگی به چهار گروه: رشد نیافته، روان‌آزرده، خودشیفته و رشد یافته تقسیم می‌شوند (وایلنت، ۲۰۰۳). هر یک از این سبک‌ها شامل مکانیسم‌های دفاعی ویژه‌ای هستند که امروزه مشخص شده که در افراد مبتلا به اختلالات روانی، سبک‌های دفاعی رشد نیافته و غیرانطباقی و در جمعیت غیربالینی، سبک‌های دفاعی به مراتب رشد یافته تر است (کرامر، ۲۰۰۰). روان تحلیل‌گری مکانیسم‌های دفاعی را تنها از زاویه ناهنجاری نمی‌نگرد، بلکه آنها را بخشی از الگوهای ارتباطی و تحول شناختی بهنجار در نظر می‌گیرد که در برقراری روابط با افراد مهم زندگی جلوه گر شده، از عزت نفس فرد محافظت کرده و در سازش یافتگی او نقش می‌آفرینند و گاه فقدان آنها در لحظه مناسب از توان فرد می‌کاهد و وحدت یافتگی‌اش را در معرض تهدید و یا از هم گسیختگی قرار می‌دهد. فعالیت مکانیسم‌های دفاعی قابل مقایسه با کنش سیستم ایمنی در بدن است (باوینز، ۲۰۰۸) و سلامت جسمانی و روانی افراد به طور معنی‌داری با مکانیسم‌های دفاعی مورد استفاده آنها در ارتباط است (باند و پری، ۲۰۰۴). در همین راستا، فرجاد، محمدی، رحیمی و هادیان‌فر، (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای که با هدف بررسی رابطه بین سازمان شخصیت با مکانیسم‌های دفاعی بر روی ۲۴۰ نفر از دانشجویان انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های دفاعی رشد یافته موجب پذیرش کامل ماهیت و میزان تهدید شده و مستقیماً وارد عمل می‌شود تا اضطراب ناشی از تهدید را تا حد امکان تقلیل دهند و در مقابل روش‌های دفاعی روان‌آزرده، با تحریف مفرط معنا و اثر تهدید، اضطراب را مدیریت می‌کنند.

اهمیت این متغیر در زودانگیزگی به این علت می‌باشد که تحول یافتگی من چهارچوب و مرجعی را برای کنترل تکانه، توجه آگاهانه، پیچیدگی شناختی و روابط بین فردی ایجاد کرده (نوآم، ۱۹۹۸) و طریقه احساس، عمل و فکر کردن را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طوری که آشکار، فتحی آشتیانی و آزاد فلاح، (۱۳۹۱)

از جمله مفاهیم مهمی که امروزه مورد توجه پژوهشگران و بسیاری از نظریه پردازان قرار گرفته، مفهوم زودانگیزگی می‌باشد. زودانگیزگی به عنوان یک متغیر شخصیتی، گستره وسیعی از رفتارهای افراد و مسائلی همچون درک پایین، ابراز ناپخته و مخاطره آمیز و عدم تناسب رفتار با موقعیت را در بر گرفته و غالباً نیز به نتایج ناخوشایند منتهی می‌گردد (باری و رابینز، ۲۰۱۳). مفهوم زودانگیزگی همانگونه که نقش مهمی در رفتار بهنجار ایفا می‌کند، به شکل آسیب شناختی نیز در بسیاری از بیماری‌های روانی همچون شیدایی (دپ، مور، موسباک، دو، ایلر و گرانوهولم، ۲۰۱۶)، اختلالات شخصیت (تورنر و سباستین و تاشر، ۲۰۱۷)، اختلالات سوء مصرف مواد (هو، سالمرن، گو، آستین و یانگ، ۲۰۱۵)، اختلال وسواس - بی‌اختیاری (بناتی، دلوسو، آریچی، هولاندر و آلتامورا، ۲۰۱۴)، اختلال نارسایی توجه فزون‌کنشی (رابرت، پیترز، آدامز، لینام و میلیچ، ۲۰۱۴) و ارتکاب به خودکشی (آروباخ، استوارت و جانسون، ۲۰۱۷) تأثیر داشته و بسیاری از مطالعات آن را به عنوان یک ساختار مهم شخصیتی مورد بررسی قرار داده (مینی، گرت، کاس و یومانس، ۲۰۰۷). به طوری که امروزه مشخص گردیده که افراد زودانگیزه دارای نقص در تصمیم‌گیری بوده (دیویس، پت، توید و کرتس، ۲۰۰۷) و توانایی بازداری پایینی را دارا می‌باشند (یومانس، لیتیچ و مینی، ۲۰۰۸). همچنین این گروه از افراد حساسیت بالایی نسبت به پاداش داشته و در پی انجام فعالیت‌هایی برای بالا بردن انگیزگی قشری خود هستند (وایت، ۲۰۰۸) و هنگامی که تحریک می‌شوند، افزایش بیشتری در انگیزگی دارند (ماتیاس و استنفورد، ۲۰۰۳). آنچه از مطالعات برمی‌آید این نکته است که نمی‌توان زودانگیزگی را یک متغیر تک بعدی در نظر گرفت، بلکه به گفته استاینر، ایرایه و کوپمن (۲۰۰۱)، زودانگیزگی یک سازه رفتاری چند وجهی است که به وسیله نقص‌هایی در مهار خود، مشخص شده و به عنوان ناکامی‌های متعدد در انضباط شخصی، خود نظم‌جویی یا حساسیت به پاداش آنی بیان می‌شود (مک کالوم، بلاسچینسکی، لادوسور و نور، ۲۰۰۷). بنابراین زودانگیزگی با ابعادی چون گرایش به زمان حال، ناتوانی در به تأخیر انداختن پاداش، مهار گسیختگی رفتاری، خطرپذیری و ضعف تصمیم‌گیری همراه می‌باشد (کوکا و گاگنون، ۲۰۱۴).

از جمله سازه‌های مهمی که می‌توان فرض ارتباط آن را با متغیر

دفاعی فرد را به وسیله ارزیابی تجربی مشتقات هشیار مکانیزم‌های دفاعی در زندگی روزمره مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه براساس الگوی سلسله مراتبی دفاع‌ها ساخته شده است (سن مارتینی، روما، سارتی، لینگاردی و باند، ۲۰۰۴). پرسشنامه سبک‌های دفاعی نخستین بار توسط باند و پری (۲۰۰۴) به منظور بررسی مکانیزم‌های دفاعی در افراد بهنجار و بیمار تدوین گردید که ۸۸ ماده را در برگرفته و ۲۴ مکانیزم را واری می‌نمود (اندروس، پولاک و استوارت، ۱۹۸۹). باند و پری (۲۰۰۴) با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی ۴ سبک دفاعی را در سطح مکانیزم‌های دفاعی مشخص کردند که این ۴ سبک عبارتند از: سبک‌های سازش‌یافته، سازش نایافته، تحریف تصویر ذهنی و سبک خود - قربانی (سن مارتینی، روما، سارتی، لینگاردی و باند، ۲۰۰۴). آنها تدوین این ابزار رابطه بین سبک‌های دفاعی ۴ گروه از اختلالات روانی (روان‌گسستگی، اختلالات عاطفی، اختلالات اضطرابی و سایر اختلالات) را بررسی کردند. گروهی از افراد بهنجار نیز به همراه این بیماران مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج مطالعات در تفکیک گروه‌های تحقیق از یکدیگر و نیز تفکیک افراد بهنجار و بیمار براساس سبک‌های دفاعی چندان رضایت‌بخش نبود. از آن رو اندروس و همکاران (۱۹۸۹) با اعتنا به طبقه‌بندی DSM III-R و تعاریف ارائه شده در مورد مکانیزم‌های دفاعی، پرسشنامه سبک‌های دفاعی را مورد تجدیدنظر قرار دادند و در نهایت پرسشنامه سبک‌های دفاعی -۷۲ را ساختند. نسخه جدید ۷۲ سؤالی ۲۰ مکانیزم دفاعی را در سه سطح رشد یافته، روان آزرده و رشد نایافته مورد ارزیابی قرار می‌داد. نتایج به کارگیری این پرسشنامه استفاده از نیرومندی آن در تفکیک گروه‌های مورد مطالعه بود، با این وجود ضعف‌هایی از جمله نابرابری ماده‌های مربوط به عامل‌ها، نابرابری سؤال‌هایی که هر مکانیزم را بررسی می‌نمود و شباهت پاره‌ای از ماده‌ها به نشانه‌های اختلال روانی در آن مشهود بود (حیدری نسب، ۱۳۸۵). با توجه به مشکلات پرسشنامه سبک‌های دفاعی -۷۲ نسخه جدید دیگری (پرسشنامه سبک‌های دفاعی -۴۰) توسط آندروس، ساین و باکس، (۱۹۹۳) تدوین گردید که شامل ۴۰ سؤال در ۹ درجه لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است و ۲۰ مکانیزم دفاعی را در سه سطح رشد یافته، روان آزرده وار و رشد نایافته مورد ارزیابی قرار می‌داد (سین‌ها و واتسون، ۲۰۰۴). آنها برای

نیز نشان داده‌اند، از یک سو مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته‌ای همچون والایش و پیشاپیش‌نگری با مؤلفه اجتناب فعال ارتباط مثبت معنادار و با مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته دلیل تراشی و فرافکنی ارتباط منفی معناداری داشته و از سوی دیگر سیستم بازداری رفتاری و مؤلفه‌های خاموشی و اجتناب منفعل، با سبک و مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته ارتباط منفی معنادار و با سبک و مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته ارتباط مثبت معنادار داشته است. به طور کلی براساس نتایج این پژوهش، افراد دارای سیستم بازداری رفتاری غالب بیشتر از مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته استفاده می‌کنند.

با توجه به چهارچوب نظری مورد اشاره و با در نظر گرفتن نقش من به عنوان پایگاه حل تعارض و سهم آن در برقراری تعادل بین خواسته‌های برخاسته از درون واقعیت‌ها و محدودیت‌های بیرونی، این مطلب منطقی به نظر می‌رسد که زودانگیختگی با سطوح پایین‌تر تحول من و استفاده از مکانیزم‌های دفاعی غیرانطباقی در ارتباط داشته باشد که این مهم به طور مشخص مورد بررسی قرار نگرفته است. از این روی سؤال پژوهش حاضر این است که آیا الگوی استفاده از سبک‌های دفاعی با توجه غلبه محورهای زودانگیختگی در دانشجویان متفاوت است؟

## روش

طرح پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی است. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی و علم و فرهنگ تهران در مقطع کارشناسی بودند که از این میان تعداد ۲۰۱ دانشجو در رده سنی ۲۲-۱۸ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به حجم جامعه آماری و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه آماری کوکران، تعداد حجم نمونه ۲۰۱ نفر برآورد شد.

به منظور گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر از دو پرسشنامه سبک‌های دفاعی<sup>۱</sup> و پرسشنامه زودانگیختگی<sup>۲</sup> و ایستاید لینام استفاده گردیده و این ابزارها در اختیار دانشجویان قرار گرفت.

## ابزار

پرسشنامه سبک‌های دفاعی: پرسشنامه سبک‌های دفاعی، رفتار

2. Urgency premeditation perseverance sensation seeking

1. Defense Styles Questionnaire(DSQ)

پرسشنامه در گروه‌های مورد مطالعه در مقایسه با مقادیر بحرانی معنادار هستند. براساس این یافته‌ها، مشخص گردید پرسشنامه سبک‌های دفاعی در گروه‌های مورد مطالعه از اعتبار مناسبی برخوردار است (حیدری‌نسب، ۱۳۸۵).

پرسشنامه زودانگیزگی و ایستاید و لینام: این مقیاس به وسیله و ایستاید و لینام (۲۰۰۱)، با استفاده از روش تحلیل عاملی بر روی ۹ مقیاس معتبر که به شکل عملیاتی به ارزیابی زودانگیزگی می‌پردازد، طراحی شده است. این مقیاس دارای ۴۶ ماده است که هر کدام بر روی مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) درجه‌بندی می‌شود. زیرا مقیاس‌های این مجموعه عبارتند از: فوریت (۱۳ ماده)، فقدان تفکر پیش‌بینی (۱۱ ماده)، فقدان استمرار (۱۰ ماده)، تهییج طلبی (۱۲ ماده). و ایستاید و لینام (۲۰۰۱) اعتبار و همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) این مقیاس را از ۰/۸۲ تا ۰/۹۱ و مجید و کولدر (۲۰۰۸)، از ۰/۸۱ تا ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. این مقیاس در ایران هم مورد تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفته است (آزادفلاح و سهرابی فرد، ۱۳۸۸). در پژوهش این محققین همان چهار زیر مقیاس استخراج شده و مواد مربوط به هر یک بدون هیچ گونه تغییری باقی مانده و تنها چهار ماده (۱۱، ۲۶، ۲۹ و ۳۴) به دلیل قدرت تشخیص و بار عاملی ضعیف حذف گردیده است. در این پژوهش اعتبار و همسانی درونی ۰/۷۹ گزارش شده است.

### یافته‌ها

نتایج حاصل از شاخص‌های توصیفی بدست آمده نشان دهنده این بود که تفاوت‌چندانی در شاخص‌های توصیفی سبک‌های دفاعی رشد یافته، روان آزرده و رشد نیافته در بین زنان و مردان مشهود نیست و در مورد مؤلفه‌های زودانگیزگی نیز این شاخص‌ها با اندکی تفاوت در گروه مردان و زنان حاصل شده است.

اصلاح پرسشنامه قبلی ملاک‌های متعددی را برای ارزیابی روایی سازه و روایی ملاک و اعتبار هر ماده در نظر گرفتند. این نسخه جدید به مراتب از کیفیت روانسنجی بهتری نسبت به نسخه‌های قبلی برخوردار بود. پرسشنامه سبک‌های دفاعی (۴۰) در ایران نیز توسط حیدری‌نسب (۱۳۸۵) مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت. مراحل هنجاریابی به طور کلی بعد از برگرداندن پرسشنامه به زبان فارسی و رفع نواقص آن به لحاظ ادبی در دو بخش روایی و پایایی پیگیری شد. برای بررسی روایی محتوای آن، پرسشنامه به گروهی از متخصصان روانشناسی ارائه و از آنها خواسته شد که میزان ارتباط هر عبارت را با تعاریف مکانیزم‌های دفاعی برگرفته از منابع معتبر در یک مقیاس ۵ درجه‌ای که به سبک لیکرت تنظیم گردیده بود مشخص کنند. جهت بررسی روایی همزمان مکانیزم‌های با ویژگی‌های شخصیتی براساس پرسشنامه ۵ عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI) مورد مطالعه قرار گرفت. روایی سازه پرسشنامه نیز براساس محاسبه همبستگی هر ماده با مکانیزم و سبک مرتبط مورد ارزیابی قرار گرفت. بنابر یافته‌های مربوط به روایی، مشخص شد که پرسشنامه همانند نسخه اصلی از روایی مطلوبی برخوردار است (حیدری‌نسب، ۱۳۸۵). اعتبار پرسشنامه سبک‌های دفاعی نیز از طریق روش بازآزمایی و نیز محاسبه آلفای کرونباخ انجام شده است. ضریب اعتبار و آلفا در گروه‌های مطالعه به تفکیک در دانش‌آموزان و دانشجویان و جنسیت گروه نمونه‌گیری و نیز سبک‌های دفاعی نشان می‌دهد بالاترین آلفای کلی در مردان دانشجو (۰/۸۱) و پایین‌ترین آلفای کل در دانش‌آموزان دختر (۰/۶۹) مشاهده می‌شود. در سبک‌های دفاعی، بالاترین آلفا مربوط به سبک رشد نیافته (۰/۷۲) و کمترین مربوط به سبک روان آزرده می‌گردد (۰/۵۰). همچنین بالاترین آلفای بین دو نیمه به مردان دانشجو و کمترین به سبک روان آزرده مربوط می‌شود. همه همبستگی‌های مربوط به دو بار اجرای

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به سبک‌های دفاعی در گروه مردان و زنان

شاخص متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
سبک رشد یافته	مردان	۴/۷۱	۱/۰۴	۲/۳۸	۷/۲۵
	زنان	۴/۸۱	۱/۲۱	۲	۸
سبک روان آزرده	مردان	۴/۵۲	۱	۲/۲۵	۷/۱۳
	زنان	۴/۵۷	۱/۱۹	۱	۷/۳۸
سبک رشد نیافته	مردان	۳/۸۶	۰/۹۱	۱/۹۶	۶/۱۷
	زنان	۳/۵۷	۱/۰۱	۱/۰۸	۶/۳۳

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به زودانگیزگی در گروه مردان و زنان

شاخص متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
فوریت	زنان	۲۳/۳	۶/۳۵	۱۲	۴۴
	مردان	۲۳/۶۵	۵/۵۸	۱۴	۳۷
فقدان تفکر پیشینی	زنان	۲۰/۹۳	۵/۸۵	۱۱	۴۱
	مردان	۲۱/۴۱	۵/۱۷	۱۱	۳۳
فقدان استمرار	زنان	۱۷/۶۱	۳/۲۴	۱۲	۲۷
	مردان	۱۷/۲۲	۳/۵۰	۱۰	۲۶
تهییج طلبی	زنان	۲۷/۲۴	۸/۶۷	۱۱	۴۴
	مردان	۲۸/۹۸	۶/۷۳	۱۲	۴۴
زودانگیزگی کل	زنان	۸۹/۱۰	۱۵/۷۷	۵۸	۱۴۱
	مردان	۹۱/۲۸	۱۲/۰۷	۶۲	۱۲۶

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین، مؤلفه‌های زودانگیزگی و سبک‌های دفاعی

متغیر	فوریت	فقدان تفکر پیشینی	فقدان استمرار	تهییج طلبی	زودانگیزگی کل	سبک دفاعی رشد یافته	سبک دفاعی روان آزرده	سبک دفاعی رشد نایافته
فوریت	۱	۰/۵۳ <sup>**</sup>	۰/۴۷ <sup>**</sup>	۰/۰۱	۰/۷۳ <sup>**</sup>	-۰/۲۵ <sup>**</sup>	۰/۲۰ <sup>**</sup>	۰/۴۰ <sup>**</sup>
فقدان تفکر پیشینی	۰/۵۳ <sup>**</sup>	۱	۰/۵۷ <sup>**</sup>	-۰/۰۴	۰/۷۱ <sup>**</sup>	-۰/۳۷ <sup>**</sup>	۰/۰۸	۰/۲۷ <sup>**</sup>
فقدان استمرار	۰/۴۷ <sup>**</sup>	۰/۵۷ <sup>**</sup>	۱	-۰/۱۱	۰/۵۸ <sup>**</sup>	-۰/۳۳ <sup>**</sup>	۰/۰۱	۰/۲۵ <sup>**</sup>
تهییج طلبی	۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۱۱	۱	۰/۵۲ <sup>**</sup>	۰/۲۰ <sup>**</sup>	۰/۱۶ <sup>**</sup>	۰/۲۱ <sup>**</sup>
زودانگیزگی کل	۰/۷۳ <sup>**</sup>	۰/۷۱ <sup>**</sup>	۰/۵۸ <sup>**</sup>	۰/۵۲ <sup>**</sup>	۱	-۰/۲۱ <sup>**</sup>	۰/۲۰ <sup>**</sup>	۰/۴۴ <sup>**</sup>
سبک دفاعی رشد یافته	-۰/۲۵ <sup>**</sup>	-۰/۳۷ <sup>**</sup>	-۰/۳۳ <sup>**</sup>	۰/۲۰ <sup>**</sup>	-۰/۲۱ <sup>**</sup>	۱	۰/۱۷ <sup>**</sup>	۰/۱۱
سبک دفاعی روان آزرده	۰/۲۰ <sup>**</sup>	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۱۶ <sup>**</sup>	۰/۲۰ <sup>**</sup>	۰/۱۷ <sup>**</sup>	۱	۰/۴۰ <sup>**</sup>
سبک دفاعی رشد نایافته	۰/۴۰ <sup>**</sup>	۰/۲۷ <sup>**</sup>	۰/۲۵ <sup>**</sup>	۰/۲۱ <sup>**</sup>	۰/۴۴ <sup>**</sup>	۰/۱۱	۰/۴۰ <sup>**</sup>	۱

\* P < ۰/۰۵ \*\* P < ۰/۰۱

تحمل (تولرنس)<sup>۳</sup> و عامل تورم واریانس (VIF)<sup>۴</sup> و آزمون کلموگرف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع انجام شد. در پیش‌بینی سبک‌های دفاعی از روی مؤلفه‌های زودانگیزگی، دامنه مقادیر عددی آزمون دوربین / واتسن (۰/۲۳ - ۱/۰۵) و کلموگرف / اسمیرنف (۰/۹۶ - ۰/۲۹) بیانگر استقلال خطاها و نرمال بودن توزیع بود. شاخص‌های هم‌خطی بودن نشان داد که بین متغیرهای پیش‌بین، هم‌خطی چندگانه وجود ندارد و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل اتکا است. جدول ۴ نتایج رگرسیون را نشان می‌دهد که طی آن زودانگیزگی و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی سبک دفاعی روان آزرده واریس شده‌اند.

همانطور که در جدول ۳ نیز مشاهده می‌شود، زودانگیزگی کلی با سبک‌های دفاعی روان آزرده و رشد نایافته رابطه مستقیم معنادار (P < ۰/۰۱) داشته است اما با سبک دفاعی رشد یافته رابطه معکوس معنادار (P < ۰/۰۱) را نشان می‌دهد. از دیگر یافته‌های جدول این می‌باشد که مؤلفه‌های مختلف زودانگیزگی نیز همسو با فرضیه پژوهش با سبک‌های دفاعی رابطه دارند. برای بررسی دقیق‌تر داده‌ها از تحلیل رگرسیون چندمتغیری به شیوه گام به گام استفاده شد که در هر یک از آنها زودانگیزگی و مؤلفه‌های آن به عنوان متغیرهای پیش‌بین و در هر تحلیل یکی از سبک‌های دفاعی به عنوان متغیر ملاک وارد معامله شده است. برای استفاده از مدل رگرسیون ابتدا پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، آزمون دوربین / واتسن<sup>۱</sup> برای بررسی استقلال خطاها، آزمون هم‌خطی<sup>۲</sup> با دو شاخص ضریب

3. Tolerance

4. Variance Inflation Factor (VIF)

1. Durbin - Watson

2. Collinearity

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام زودانگیختگی و مؤلفه‌های آن بر سبک‌های دفاعی			
متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب تعیین	ضریب استاندارد شده بتا
سبک دفاعی روان آزوده	زودانگیختگی کلی	۰/۰۴	۰/۲۰۰
سبک دفاعی رشد نیافته	زودانگیختگی کلی	۰/۱۹۷	۰/۴۴۴
	فقدان تفکر پیش‌بینی	۰/۱۳۴	-۰/۳۶۶
	فقدان تفکر پیش‌بینی و تهییج طلبی	۰/۱۷۰	-۰/۲۵۹
سبک دفاعی رشد یافته	فقدان تفکر پیش‌بینی، تهییج طلبی و استمرار	۰/۱۸۸	-۰/۱۶۲

جدول ۵. خلاصه تحلیل واریانس رگرسیون زودانگیختگی و مؤلفه‌های آن بر سبک‌های دفاعی						
گام	متغیر ملاک	منابع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
			۱۰/۳۴۴	۱	۱۰/۳۴۴	
۱	سبک دفاعی روان آزوده	رگرسیون باقیمانده کل	۲۴۷/۳۳۵	۱۹۹	۱/۲۴۹	۸/۲۸۱°
			۲۷۵/۶۷۹	۲۰۰		
۲	سبک دفاعی رشد نیافته	رگرسیون باقیمانده کل	۳۸/۴۲۲	۱	۳۸/۴۲۲	۴۸/۶۹۴°
			۱۵۶/۲۳۰	۱۹۹	۰/۷۸۹	
			۱۹۴/۶۵۱	۲۰۰		
۳	فقدان تفکر پیش‌بینی	رگرسیون باقیمانده کل	۳۶	۱	۳۶	۳۰/۶۵°
			۲۳۲/۶	۱۹۹	۱/۲	
			۲۶۸/۶	۲۰۰		
۴	فقدان تفکر پیش‌بینی و تهییج طلبی	رگرسیون باقیمانده کل	۴۵/۷	۲	۲۲/۹	۲۰/۲۱°
			۲۲۲/۹	۱۹۸	۱/۱	
			۲۶۸/۶	۲۰۰		
۵	فقدان تفکر پیش‌بینی، تهییج طلبی و استمرار	رگرسیون باقیمانده کل	۵۰/۵	۳	۱۶/۸	۱۵/۱۱°
			۲۱۸/۱	۱۹۷	۱/۱	
			۲۶۸/۶	۲۰۰		

\* $P < 0.001$ 

و با در نظر گرفتن ضریب بتا این رابطه در جهت تأیید فرضیه پژوهش می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ضریب پیش‌بینی در گام یک و میزان افزایش آن در گام‌های بعد معنادار ( $P < 0.001$ ) است؛ اما توجه به ضرایب بتا بیانگر آن است که در متغیرهای پیش‌بین دو متغیر فقدان پیش‌بینی و فقدان استمرار با سبک دفاعی رشد یافته رابطه معکوس و متغیر تهییج طلبی با سبک دفاعی رشد یافته رابطه مستقیم دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در قالب این پژوهش توجه بیشتری را به خود معطوف کرده است، پرداختن به مفهوم زودانگیختگی در چهارچوب یک مفهوم چند وجهی است که توسط وایستاید و لینام (۲۰۰۵) مطرح شده است. این دو محقق سه بعد شخصیتی نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت کاستا و مک کری (۱۹۹۲)، به نقل از وایستاید و لینام، (۲۰۰۱) را

جدول ۴ نمایانگر این است که در بین متغیرهای پیش‌بین مدل در گام یک، تحلیل زودانگیختگی کلی وارد شده و به ترتیب ۰/۴، ۰/۷، ۱۹ درصد از واریانس سبک‌های دفاعی روان آزوده و رشد نیافته را تبیین می‌کند. در بررسی سبک‌های دفاعی روان آزوده رشد نیافته مؤلفه‌های زودانگیختگی بعد از زودانگیختگی کلی وارد مدل نشده‌اند و سهم آنها در پیش‌بینی قبلاً توسط زودانگیختگی کلی وارد معادله شده است. برای سبک دفاعی رشد یافته، مؤلفه‌های زودانگیختگی بر اساس اهمیت وارد معادله شدند و به ترتیب ۱۳/۴، ۱۷ و ۱۸/۸ درصد از واریانس سبک‌های دفاعی رشد یافته را تبیین نموده‌اند. برای آزمون معناداری این ضرایب در جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس رگرسیون زودانگیختگی بر سبک‌های دفاعی ارائه شده است. جدول ۵ نشان می‌دهد که سهم پیش‌بینی هر یک از مؤلفه‌های زودانگیختگی در سبک دفاعی دانشجویان معنادار ( $P < 0.001$ ) است

نایافته‌تری چون گزار به عمل، انکار، جابه‌جایی و فرافکنی استفاده می‌کنند و در سطوح بالاتر من دفاع‌های رشد نایافته‌تری همچون دگردوستی، عقلانی‌سازی، و فرونشانی به کار گرفته می‌شود (ویتی، ۲۰۰۳) و زودانگیختگی که به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها در سطوح پایین‌تر تحول من قرار می‌گیرد، در رابطه با بکارگیری سبک‌های دفاعی روان آزرده وار و رشد نایافته قرار می‌گیرد.

در خصوص بررسی الگوی استفاده از سبک‌های دفاعی با توجه به میزان غلبه محورهای زودانگیختگی در این پژوهش مشخص شد که الگوی استفاده از سبک‌های دفاعی با توجه به غلبه محورهای زودانگیختگی (فوریت، فقدان تفکر پیشینی، فقدان استمرار و تهییج طلبی) متفاوت است. زودانگیختگی از طریق درگیر نمودن ساختارهای شناختی و هیجانی، عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مؤلفه فوریت که به عنوان گرایش به تجربه انگیزشی‌های شدید، اغلب تحت شرایط عاطفه منفی در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد که افراد با مبادرت ورزیدن به اعمال مخاطره آمیز پیامدهای منفی را نادیده می‌گیرند و این خود راه‌حلی برای گریز از بافت هیجانی منفی و یا کاهش دادن آن است، رفتارهای افرادی که در این مؤلفه نمرات بالا کسب می‌کنند اغلب ناشی از عدم توانایی در تنظیم مؤثر هیجان‌های منفی است (مجید و کلدر، ۲۰۰۷). تجارب هیجانی توانمندی‌های شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این تأثیر گاهی در جهت کاهش کنترل سودمندی شناختی و یا مؤثر بودن راهکارهای شناختی است (بابلیوکس، گای، روچات و وندرلیندل، ۲۰۱۰)، که از آن میان می‌توان به مکانیزم‌های دفاعی اشاره نمود. مکانیزم‌های دفاعی شناخت آگاهانه ما را از خود تغییر می‌دهند و آگاهی ما را از تعارض‌هایمان کم می‌کند و احساسات متعارض با باورهای ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند و هر چه رشد نایافته‌تر باشند میزان تحریف واقعیت در آنها بیشتر است. افراد در بعد فوریت برای گریز از بافت هیجانی منفی و یا کاهش آن و ناتوانی در تنظیم مؤثر هیجانی دفاع‌های روان آزرده وار و رشد نایافته را به کار می‌برد که خود مانعی برای درک واقعیت می‌باشد.

در آزمودنی‌هایی که میزان فوریت کمتر است، غلبه استفاده از سبک‌های دفاعی به سبک رشد یافته مربوط می‌شود و با افزایش فوریت بهره‌گیری از سبک دفاعی رشد یافته کاهش می‌یابد و به تدریج غلبه سبک‌های دفاعی روان آزرده و رشد نایافته استقرار می‌یابد. از آنجایی که فوریت با بعد نورزگرای در الگوی پنج عاملی

مرتبط با وجوه مختلف زودانگیختگی در نظر گرفته‌اند؛ فوریت با عامل N، فقدان فکر پیشینی، فقدان استمرار با عامل C و تهییج طلبی با عامل E همبسته است.

همانطور که در قسمت یافته‌ها نیز اشاره شد، در بررسی رابطه بین زودانگیختگی و استفاده از سبک‌های دفاعی نشان داده شد که بین زودانگیختگی و استفاده از سبک‌های دفاعی غیرانطباقی رابطه مستقیم وجود دارد. در حقیقت مشخصه‌های زودانگیختگی به شکل مستقیم اعمال و تصمیم‌گیری‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از آن میان می‌توان، به بکارگیری مکانیزم‌های دفاعی اشاره کرد. زودانگیختگی به عنوان مجموعه اعمالی که چندان مورد تأمل قرار نگرفته‌اند و شکل ابراز آنها نیز از رشد یافتگی قابل توجهی برخوردار نیست به پیامدهای نامناسبی منتهی شده و با ضعف تصمیم‌گیری همراه می‌باشد. این متغیر رابطه مستقیمی با به کارگیری سبک‌های دفاعی غیرانطباقی (روان آزرده وار و رشد نایافته) دارد. مکانیزم‌های دفاعی در حقیقت تحریف‌کننده واقعیت هستند و میزان تحریف واقعیت در دفاع‌های رشد نایافته و روان آزرده بیشتر از دفاع‌های رشد یافته است و هر چه میزان تحریف شناختی یک دفاع بیشتر باشد، به دنبال آن از میزان آگاهی هشیارانه کاسته می‌شود و تلاش کمتری در جهت مقابله با تحریف شناختی انجام می‌شود (برد، ۲۰۰۴). از این رو مکانیزم‌های دفاعی خصوصاً آنهایی که رشد نایافته‌ترند، مانعی برای درک واقعیت شده و امکان دفاع منطقی و مؤثر از فرد سلب و ظرفیت پیشینی و خود اکتشافی فرد را کاهش می‌دهند. همچنین یافته‌های این پژوهش همراستا با یافته‌هایی می‌باشد که بر رابطه بین مکانیزم‌های دفاعی و ساختارهای شخصیتی تأکید کرده‌اند و مکانیزم‌های دفاعی را به عنوان راهی برای شناخت تفاوت‌های فردی در نظر گرفته‌اند (کرامر، ۲۰۰۳). در پژوهش‌هایی نیز رابطه بین اختلالات شخصیت و نوع خاص مکانیزم دفاعی مشخص گردیده، برای مثال بلاکمن (۲۰۰۴) به این یافته دست یافت که شخصیت‌های ضد اجتماعی مکانیزم‌های منفی‌گرایی، دلیل تراشی مبالغه‌سازی و همانند با پرخاشگر را مورد استفاده قرار می‌دهند.

همچنین یافته‌های این پژوهش همراستا با یافته‌هایی می‌باشند که رابطه بین سطوح تحول یافتگی من و مکانیزم‌های دفاعی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در واقع هر تغییر و تحولی که شامل رشد من شود، مکانیزم‌های دفاعی را به عنوان بخشی از کنش‌وری من در برمی‌گیرد. افراد در سطوح پایین‌تر تحول من، از دفاع‌های رشد

در مؤلفه تهییج طلبی نیز، الگوی استفاده از سبک‌های دفاعی با توجه به میزان غلبه تهییج طلبی با سایر مؤلفه‌های زودانگیزگی متفاوت است. در این مؤلفه هر دو سبک رشد یافته و روان آزرده در گروهی که از تهییج طلبی کمتری برخوردارند، دیده می‌شود و برخلاف الگوهای قبلی، استفاده از سبک دفاعی رشد یافته در گروهی که بیشترین تهییج طلبی را دارند، حداکثر است. افرادی که در تهییج طلبی نمرات بالایی کسب می‌کنند از مخاطره‌جویی و فعالیت‌های خطرناک لذت می‌برند و افرادی که نمرات پایین‌تری دارند از پذیرش خطر اجتناب می‌کنند، از آنجایی که تهییج طلبی با صفت برونگردی رابطه دارد، انتظار می‌رود که ویژگی‌های روانشناختی مرتبط با برونگردی در افرادی که نمرات بالای تهییج طلبی را کسب می‌کنند وجود داشته باشد. برونگردی و گشودگی به تجربه با مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته و دفاع‌های سازش یافته رابطه مستقیم دارد (کرامر، ۲۰۰۳).

بروکس (۲۰۰۶) بیان می‌کند که آسیب‌گریزی و فقدان گشودگی به ناهماهنگی‌ها موجب توقف در مسیر تحول من می‌شود، زیرا میزانی از عدم تعادل برای تحول ضروری است و افرادی که از گشودگی به تجربه برخوردارند، هیچ اطلاعاتی را به منزله تهدید یا آسیب تلقی نمی‌کنند. افراد در سطوح بالاتر تحول من، گشودگی بیشتری به تجربه دارند و عدم تعادل برای آنها به منزله تحرکی در جهت پیشرفت در مسیر تحول است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: در درجه نخست اینکه با توجه به ماهیت موضوع مورد پژوهش، این بررسی در قالب یک مطالعه پس‌رویدادی تحقق یافته است که نتیجه‌گیری‌های علی را محدود می‌سازد. در درجه دوم اینکه ابزارهای مورد استفاده، ابزارهای خود گزارش‌دهی بوده، در صورتی که متغیرها را می‌توان از طرق دیگر نیز بررسی نمود، اما به علت محدودیت‌های پژوهشی، امکانپذیر نبود. در درجه آخر نیز به علت این که جمعیت مورد بررسی، جمعیت دانشجوی بوده است، ممکن است تحصیلات در متغیرهای مورد بررسی اثرگذار باشد و توزیع این متغیرها، به خصوص متغیرهای تحول یافتگی من و سبک‌های دفاعی در این جمعیت با جمعیت کلی فرق داشته باشد از این رو بایستی در تعمیم یافته‌های این پژوهش جانب احتیاط را در نظر گرفت.

شخصیت همبسته است (سایدرز و اسمیت، ۲۰۰۸). همراستا با پژوهشی می‌باشد که بین نوزگرایی و استفاده از دفاع‌های رشد نیافته ارتباط معناداری را مشخص کرده است (سولدز، بودمن، دیوی و مری، ۱۹۹۵).

فقدان تفکر پیشینی به همراه فقدان استمرار، دو مؤلفه‌ای هستند که بیشتر بر جنبه‌های شناختی افراد تأکید دارند تا تظاهرات رفتاری آنها و در نتیجه انتظار می‌رود افرادی که این مؤلفه‌ها در آنها غالب است، کاستی‌های شناختی بیشتری نسبت به افرادی که مؤلفه‌های دیگر در آنها غالب است نشان دهند. در بعد فقدان تفکر پیشینی فرد در تفکر و تأمل در ارتباط با پیامدهای عمل پیش از مبادرت ورزیدن به آن ناتوان هستند (سایبرت، میلر، پریر، ریدی و زایکنر، ۲۰۱۰) افرادی که نمره بالایی در این بعد دارند بی‌درنگ و بدون توجه به پیامدها عمل می‌کنند (وایستاید و لینام، ۲۰۰۵). در واقع ناتوانی در بازبینی احتمالات آینده می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری و حل مسئله را با دشواری همراه کند (موبس، کرپین، تیری، گلای و وندرلیندن، ۲۰۱۰). کرامر (۲۰۰۳) اعتقاد دارد که تحول فعالیت شناختی مانند هوش، خلاقیت و قضاوت اخلاقی در مسیر تحول یافتگی من موجب تحول و سازش یافتگی مکانیسم‌های دفاعی می‌شود، او تصریح می‌کند که در فرآیند تحول من و مهار کشاننده‌ای و شکل‌گیری فردیت با مکانیسم‌های دفاعی متفاوتی از لحاظ رشد یافتگی مواجه می‌شویم، ظهور پاره‌ای از مکانیسم‌ها مثل انکار و فرافکنی با سطوح ابتدایی تحول من و تحول شناختی ارتباط دارد و با تحول من مکانیزم‌های رشد یافته‌تری نظیر همانندسازی ظهور می‌یابد. همراستا با این پژوهش‌ها، در این پژوهش مشخص شد که در آزمودنی‌هایی که میزان فقدان تفکر پیشینی کمتر است، غلبه استفاده از سبک‌های دفاعی به سبک رشد یافته مربوط می‌شود و استفاده از سبک‌های رشد نیافته در کمترین حد است و با افزایش فقدان تفکر پیشینی بهره‌گیری از سبک دفاعی رشد یافته کاسته می‌شود و به ترتیب غلبه سبک‌های دفاعی روان آزرده و رشد نیافته استقرار می‌یابد. محور فقدان استمرار نیز به برخی از نارسا کنش‌وری‌ها شناختی منتهی می‌شود، فقدان استمرار نمایانگر مشکلاتی در بازداری اطلاعات نامرتب و یا به گونه‌ای ناتوانی در بازداری شناختی است (فلیپ، کورویسیر، بیلوکس، روچات، اسمیت و وندرلیندل، ۲۰۱۰) و احتمالاً با کنش روی ضعیف‌تر در تکالیفی که برنامه‌ریزی و کنترل انگیزگی را نیاز دارند، همراه است.



منابع

- Brad, B. (2004). psychological defense mechanism: *Journal of pschonalysis*, 64(1), pp:1-26
- Brooks, J. B. (2006). The Effects of Early Negative Events on Self-esteem and Treatment Outcomes of Participants in a Drug Abuse Outcome Study..
- Cramer, P. (2003). Defense mechanisms and physiological reactivity to stress. *Journal of Personality*, 71(2), 221-244.
- Cramer, P. (2000). Defense mechanisms in psychology today: Further processes for adaptation. *American Psychologist*, 55(6), 637.
- Cyders, M. A., & Smith, G. T. (2008). Emotion-based dispositions to rash action: positive and negative urgency. *Psychological bulletin*, 134(6), 807
- Davis, C., Patte, K., Tweed, S., & Curtis, C. (2007). Personality traits associated with decision-making deficits. *Personality and Individual Differences*, 42(2), 279-290.
- Depp, C. A., Moore, R. C., Dev, S. I., Mausbach, B. T., Eylar, L. T., & Granholm, E. L. (2016). The temporal course and clinical correlates of subjective impulsivity in bipolar disorder as revealed through ecological momentary assessment. *Journal of affective disorders*, 193, 145-150.
- Hu, Y., Salmeron, B. J., Gu, H., Stein, E. A., & Yang, Y. (2015). Impaired functional connectivity within and between frontostriatal circuits and its association with compulsive drug use and trait impulsivity in cocaine addiction. *JAMA psychiatry*, 72(6), 584-592
- Kocka, A., & Gagnon, J. (2014). Definition of impulsivity and related terms following traumatic brain injury: A review of the different concepts and measures used to assess impulsivity, disinhibition and other related concepts. *Behavioral Sciences*, 4(4), 352-370.
- Maccallum, F., Blaszczyński, A., Ladouceur, R., & Nower, L. (2007). Functional and dysfunctional impulsivity in pathological gambling. *Personality and Individual Differences*, 43(7), 1829-1838.
- Majid, V., & Colder, C. R. (2007). The UPPS Impulsive Behavior Scale: Factor structure and associations with college drinking. *Personality and Individual Differences*, 43(7), 1927-1937.
- Mathias, C. W., & Stanford, M. S. (2003). Impulsiveness and arousal: Heart rate under conditions of rest and challenge in healthy males. *Personality and Individual Differences*, 35(2), 355-371.
- Mobbs, O., Crépin, C., Thiéry, C., Golay, A., & Van der Linden, M. (2010). Obesity and the four facets of impulsivity. *Patient education and counseling*, 79(3), 372-377.
- Mobini, S., Grant, A., Kass, A. E., & Yeomans, M. R. (2007). Relationships between functional and dysfunctional impulsivity, delay discounting and cognitive distortions. *Personality and Individual Differences*, 43(6), 1517-1528
- Noam, G. (1998). Solving the ego development-mental health riddle. *Personality development*:
- آزادفلاح، پرویز و سهرابی فرد، نسرين (۱۳۸۸). ساختار عاملی، اعتباریابی و رواسازی مقیاس زودانگیختگی. *مجله تحقیقات روانشناختی* ۱(۳)، ۶۵-۷۸.
- آتشکار، رقیه؛ فتحی‌آشتیانی، علی؛ آزادفلاح، پرویز (۱۳۹۱). ارتباط سبک‌ها و مکانیزم‌های دفاعی با سیستم‌های مغزی / رفتاری. *مجله روانشناسی بالینی*، ۴(۴)، ۶۳-۷۳.
- حیدری نسب، لیلیا؛ منصور، محمود؛ آزادفلاح، پرویز؛ شعیری، محمدرضا (۱۳۸۶). روایی و اعتبار پرسشنامه سبک‌های دفاعی در نمونه‌های ایرانی، *مجله دانشور*، ۱۱(۲۲)، ۱۴-۲۷.
- فرجاد، مریم؛ محمدی، نورالله؛ رحیمی، چنگیز؛ هادیان‌فر، حبیب (۱۳۹۲). رابطه سازمان شخصیت با مکانیزم‌های دفاعی. *مجله روانشناسی* ۱۷(۶۵)، ۱۹-۳۳.
- Andrews, G., Pollock, C., & Stewart, G. (1989). The determination of defense style by questionnaire. *Archives of general psychiatry*, 46(5), 455-460.
- Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *Journal of Nervous and mental Disease*.
- Auerbach, R. P., Stewart, J. G., & Johnson, S. L. (2017). Impulsivity and suicidality in adolescent inpatients. *Journal of abnormal child psychology*, 45(1), 91-103
- Bari, A., & Robbins, T. W. (2013). Inhibition and impulsivity: behavioral and neural basis of response control. *Progress in neurobiology*, 108, 44-79.
- Benatti, B., Dell'Osso, B., Arici, C., Hollander, E., & Altamura, A. C. (2014). Characterizing impulsivity profile in patients with obsessive-compulsive disorder. *International Journal of Psychiatry in Clinical Practice*, 18(3), 156-160.
- Billieux, J., Gay, P., Rochat, L., & Van der Linden, M. (2010). The role of urgency and its underlying psychological mechanisms in problematic behaviours. *Behaviour research and therapy*, 48(11), 1085-1096.
- Blackman, Jerome (2004). 101 Defenses: How the Mind Shields Itself. By New York, NY: Brunner-Routledge
- Bowins, B. (2004). Psychological defense mechanisms: A new perspective. *The American Journal of*
- Bond, M. (2004). Empirical studies of defense style: Relationships with psychopathology and change. *Harvard review of psychiatry*, 12(5), 263-278.
- Bond, M., & Perry, J. C. (2004). Long-term changes in defense styles with psychodynamic psychotherapy for depressive, anxiety, and personality disorders. *American Journal of Psychiatry*, 161(9), 1665-1671. Blackman, J. S. (2004). *101 defenses: How the mind shields itself*. Psychology Press

- and coping strategies. *Aging & Mental Health*, 7(2), 123-132.
- White, T. J. (2008). *Arousal theory and the interrelationships of caffeine, nicotine and impulsivity* (Doctoral dissertation).
- Yeomans, M. R., Leitch, M., & Mobini, S. (2008). Impulsivity is associated with the disinhibition but not restraint factor from the Three Factor Eating Questionnaire. *Appetite*, 50(2-3), 469-476.
- Theoretical, empirical, and clinical investigations of Loewinger's conception of ego development*, 271-295.
- Philippe, G., Courvoisier, D. S., Billieux, J., Rochat, L., Schmidt, R. E., & Van der Linden, M. (2010). Can the distinction between intentional and unintentional interference control help differentiate varieties of impulsivity?. *Journal of Research in Personality*, 44(1), 46-52..
- Peluso, M. A. M., Hatch, J. P., Glahn, D. C., Monkul, E. S., Sanches, M., Najt, P., ... & Soares, J. C. (2007). Trait impulsivity in patients with mood disorders. *Journal of affective disorders*, 100(1-3), 227-231..
- Roberts, W., Peters, J. R., Adams, Z. W., Lynam, D. R., & Milich, R. (2014). Identifying the facets of impulsivity that explain the relation between ADHD symptoms and substance use in a nonclinical sample. *Addictive behaviors*, 39(8), 1272-1277.
- San Martini, P., Roma, P., Sarti, S., Lingiardi, V., & Bond, M. (2004). Italian version of the defense style questionnaire. *Comprehensive psychiatry*, 45(6), 483-494.
- Seibert, L. A., Miller, J. D., Pryor, L. R., Reidy, D. E., & Zeichner, A. (2010). Personality and laboratory-based aggression: Comparing the predictive power of the Five-Factor Model, BIS/BAS, and impulsivity across context. *Journal of Research in Personality*, 44(1), 13-21.
- Sinha, B. K., & Watson, D. C. (2004). Personality disorder clusters and the Defence Style Questionnaire. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 77(1), 55-66.
- Soldz, S., Budman, S., Demby, A., & Merry, J. (1995). The relation of defensive style to personality pathology and the big five personality factors. *Journal of personality disorders*, 9(4), 356-370.
- Steiner, H., Araujo, K. B., & Koopman, C. (2001). The response evaluation measure (REM-71): A new instrument for the measurement of defenses in adults and adolescents. *American Journal of Psychiatry*, 158(3), 467-473
- Turner, D., Sebastian, A., & Tüscher, O. (2017). Impulsivity and cluster B personality disorders. *Current psychiatry reports*, 19(3), 15.
- Vailent, G. E. (2003). Mental health. *American Journal Of Psychiatry*, 55(1), p:89-98
- Whiteside, S. P., & Lynam, D. R. (2001). The five factor model and impulsivity: Using a structural model of personality to understand impulsivity. *Personality and individual differences*, 30(4), 669-689.
- Whiteside, S. P., Lynam, D. R., Miller, J. D., & Reynolds, S. K. (2005). Validation of the UPPS impulsive behaviour scale: a four-factor model of impulsivity. *European Journal of Personality: Published for the European Association of Personality Psychology*, 19(7), 559-574.
- Whity, M. T. (2003). Coping and defending: Age differences in maturity of defence mechanisms